۰گاهنامه زمستان ۰۱۴۰۴

قلم

نشریه فرهنگی دانشجویی

هیئت محبین امام سجاد (ع)



قَلَم به دَست گِرفتیم و بُغْض وا کَردیم
میانِ مَعرِکه‌ی واژه‌ها، صَفا کَردیم
اگر که گِریه نکردیم، سَطرها بِنِوشت
که ما اِدامه‌ی این روضِه را بِپا کردیم

هیئت محبین امام سجاد (ع)
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایرانشهر


بسم الله الرحمن الرحيم

شناسنامه نشریه

نشریه فرهنگی اجتماعی مذهبی قلم
شماره اول گاهنامه-زمستان ۱۴۰۴

صاحب امتیاز :
هیئت فرهنگی مذهبی محبین امام سجاد (ع)
دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر

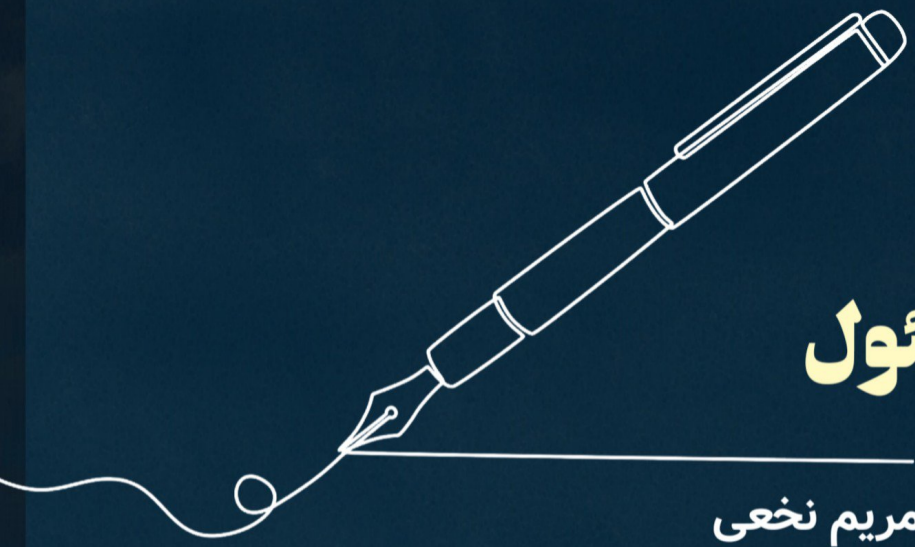
مدیر مسئول :
مریم نخعی

سردبیر :
یلدا خسروی

ویراستار :
محمد یاسین صادقی

صفحه آرا :
یلدا خسروی

هیئت تحریریه :
مبین جلال کمالی - ابوالفضل کیخواه نژاد - ابوالفضل خلیلی - ریحانه سخنور - حمیده تیلری - زهرا انجم روز



سخن مدیر مسئول

- مریم نخعی

سلام بر دل‌های خسته و امیدوارِ شما جوانان مؤمن.. اینجا، در میان شلوغی درس و زندگی، کنار هم آمده‌ایم نه برای دیده شدن، که برای خدمت کردن. هیئت دانشجویی محبین امام سجاد(ع)جایی‌ست که یاد می‌گیریم، خدمت فقط دستگیری از نیازمند نیست؛ گاهی رساندن حرف حق، لبخندِ مؤمنانه و یا حتی نوشتن سطری از حقیقت است. این نشریه، تلاشی است کوچک از همین جنس؛ از دل اعتقاد ما، که هر کارِ با نیتِ الهی، حتی اگر ساده باشد، می‌تواند چراغی باشد در مسیر تاریک دنیا. ای کاش هر واژه در این صفحات پلی باشد میان ما و خدایمان. خوشا به حال کسانی که در مسیر عشق به قرآن و اهل‌بیت (ع)، قلم به دست گرفتند و می‌کوشند تا «نوکری» را اینگونه معنا کنند. به یاری خدا و توجهات اهل‌بیت (ع)، این آغاز راهی متفاوت است در نگاه قلم... باشد که قلم‌هایمان امانت‌دار حقیقت باشند و دل‌هایمان، منزل نور. والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

فهرست مطالب

مقدمه ۳

روضه مکتوب ۵

از هیئت تا کلاس درس ۷

حدیث هیئت ۱۱

عهد قلب؛ از کربلا تا قلب بیمار ۱۴

گفت و گو با مسئول هیئت ۱۵

گزارش مجلس ۲۱

هیئت چه گفت ۲۳

نمایی از فعالیت های اخیر ۲۴

سخن آخر ۲۶

مقدمه

هیئت فقط مجلس نیست هیئت را خیلی‌ها فقط با اشک می‌شناسند؛ با چراغ‌های کم‌نور، صدای روضه و سینه‌هایی که می‌سوزد. اما هیئت، اگر همین‌جا تمام شود، ناتمام مانده است.

هیئت، مدرسه است؛ مدرسه‌ای که در آن، انسان یاد می‌گیرد کجا بایستد. در هیئت، فقط گریه نمی‌کنیم؛ جهت می‌گیریم. جهتِ حق، در جهانی که باطل همیشه خودش را بزک می‌کند.

اگر اشک، ما را به فهم نرساند، و فهم، ما را به مسئولیت نکشاند، هیئت می‌شود یک عادت؛ و عادت، خطرناک‌ترین چیز برای ایمان است. هیئت آمده تا به ما یاد بدهد بی‌طرفی همیشه فضیلت نیست. کربلا صحنه انتخاب بود؛ یا با حسین(ع)، یا مقابل او. وسطی وجود نداشت.امام حسین(ع) فقط برای گریاندن نیامد؛ آمد تا معیار بدهد.

معیار حق، معیار ظلم، معیار سکوت. هیئت یعنی تمرینِ ایستادن؛ ایستادن کنار مظلوم، ایستادن مقابل انحراف، حتی وقتی هزینه دارد.

مقدمه

برای ما که دانشجوی علوم پزشکی هستیم، هیئت فقط حالِ خوب نیست هیئت، تعهد است. تعهد به جان انسان، به عدالت درمان، به اخلاق در علم،به خدایمان و قلم ما هم از همین جا معنا پیدا میکند. قلمی که از هیئت می‌آید، نمی‌تواند بی‌درد باشد، نمی‌تواند بی‌موضع بنویسد. هیئت، اشک را به شعور وصل می‌کند و شعور را به عمل. اگر نوشته‌هایمان ادامه همان روضه‌ای باشد که در هیئت شنیده‌ایم، آن‌وقت می‌شود گفت: هیئت، زنده است. هیئت فقط مجلس نیست؛ مسیر است.

روضه مکتوب | از سجاده در زمستان تا لالایی های ناتمام



شب سرد بود.
آن‌قدر سرد که انگار در شهر می‌خواست همه‌چیز یخ بزند؛
صداها، اشک‌ها، حتی خاطره‌ها.
شام، بعد از عاشورا،
شهری بود که به خون عادت کرده بود.
شهری که کودکانش با دیدن اسیران، نمی‌ترسیدند؛
می‌خندیدند و در میان همین خنده‌ها،
جوانی ایستاده بود؛
با بدنی بیمار، چشمانی خسته،
و دلی که کوه را شرمنده می‌کرد.
علی‌بن‌الحسین (ع)، امامِ سجاده‌ها،
امامِ اشک‌های بی‌صدا، امامِ ایستادن،
وقتی ایستادن سخت‌ترین کار دنیاست.
نه شمشیر داشت، نه لشکر، نه تریبون.
فقط یک چیز داشت: ایمان.
در خرابه‌ای که حتی سقف هم نداشت،
سجاده پهن می‌کرد؛
روی خاک، روی زخم، روی داغ.
شاید کسی آن شب‌ها نمی‌فهمید این نمازها، ادامهٔ عاشوراست.
شاید کسی نمی‌دانست
اگر زینب (س) پیام را رساند،
سجاد (ع) آن را زنده نگه داشت؛ با اشک،با دعا،
با سکوتی که از فریاد بلندتر بود، باخطبه های کوبنده در زمان مشخصش..
زمستان شام، زمستان ایمان بود.
همه‌چیز درحال گفتن بود..... :تمام شد. کربلا تمام شد. حسین(ع) کشته شد.
اما سجاده‌ای که هر شب باز می‌شد،..... :نه.
هنوز راه هست. هنوز خون حرف می‌زند.
هنوز حق زنده است.

روضه مکتوب | از سجاده در زمستان تا لالایی های ناتمام

امروز، ما در زمستان‌های خودمان ایستاده‌ایم؛
میان امتحان و فشار،
میان خستگی و بی‌حوصلگی، میان خبرهای تلخ و دل‌های سرد.
و گاهی فکر می‌کنیم
ایمان هم خسته شده است.
اما کافی‌ست یاد سجاده‌ای بیفتیم
که روی خاک شام پهن شد.
آن‌وقت می‌فهمیم:
دینداری همیشه فریاد نیست.
گاهی فقط «ماندن» است.
ماندن کنار حق، وقتی همه رفته‌اند.
و ما، در هیئت محبین امام سجاد (ع)،
وارث همین ماندنیم.
اگر اشک می‌ریزیم، برای رفتن نیست؛
برای ایستادن است.
اگر دعا می‌خوانیم، برای گوشه گیری نیست؛
برای ساختن است.
این روضه، یادآور یک حقیقت عمیق است:
گاهی خدا، ایمان را نه با شمشیر،
که با سجاده‌ای پر از اشک زنده نگه می‌دارد.
در میان دوازده روز اقداماتِ خصمانه و پلیدِ رژیم کودک کش
دلمان دوباره لرزید
برای کودکانی که از بازی کودکانه شان جا ماندند و به آسمان
رسیدند .. جهان شاید خبر را کوتاه خواند، دنیا شاید از کنار اعداد
عبور کرد اما مادرانی ماندند با لالایی های ناتمام....
و اما ما، در امت همان سجاده های پر از اشک، نام شان را آهسته
صدا میزنیم چون حق، هنوز زنده است

از هیئت تا کلاس درس

وقتی مفاهیم مذهبی، ابزار زندگی دانشجویی می‌شوند

چطور خروجی دانشگاه را از تئوری به واقعیت ببریم؟

درس اول

پروژه‌های گروهی و مسئله تنهد

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ

و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره‌ای] نیست،

سلام، همراهِ دغدغه‌مند این ترم!

بیایید واقع بین باشیم.
بیشتر ما درگیر پروژه‌های گروهی‌ای هستیم که نیمی از اعضای تیم فقط برای نمره می‌آیند و نیم دیگر، ناخواسته بار اصلی کار را به دوش می‌کشند.

ما قرار است مهارت «کار تیمی» یاد بگیریم، اما هم‌زمان، داریم «مدیریت اختلاف‌ها و بی‌تعهدی‌ها» را تمرین می‌کنیم.

همین‌جاست که فضاهایی مثل هیئت و منبر، از یک مراسم ساده، به یک آزمایشگاه عملی زندگی تبدیل می‌شوند.

از هیئت تا کلاس درس

وقتی مفاهیم مذهبی، ابزار زندگی دانشجویی می‌شوند

هدف این ستون، این نیست که بگوید: «باید مثل معصومین باشید.»

هدف این است که بپرسد:
وقتی انسان‌های آرمان‌خواه و واقع‌گرا کنار هم قرار می‌گیرند، چگونه می‌توانند سالم و مؤثر حرکت کنند؟

مدل‌سازی

تیم هنرِ هماهنگی در میان تفاوت‌ها؛ نگاهی به واقعه کربلا

اگر واقعهٔ کربلا را به‌صورت یک «تیم کاری» ببینیم، با مجموعه‌ای از انسان‌ها روبه‌رو می‌شویم که سطح تعهد و هدفشان یکسان نبود.
برخی آمادهٔ فداکاری بودند، برخی مردد، و برخی نگران آیندهٔ شخصی خود.
با این حال، امام حسین (ع) پیش از هر تصمیمی، مسیر را شفاف کرد؛ با سخن، با منطق و با صداقت.
هیچ‌چیز پنهان نشد، هیچ‌کس فریب داده نشد.
کار گروهی و دانشگاه هم، همه از یک نقطه شروع نمی‌کنند؛ نمی‌شود کسی را حذف کرد، اما می‌شود با گفت‌وگوی روشن و تقسیم مسئولیت دقیق، طوری مسیر را چید که هرکس بتواند سهم خودش را ایفا کند.
گاهی بزرگ‌ترین خدمت به یک گروه، همین «شفاف بودن» است.

درس دوم

سکوتِ مؤثر (جایگاه امام سجاد(ع) در مسیر حق)

امام سجاد(ع) پس از عاشورا، سکوتی هوشمندانه و حساب‌شده را برگزید؛ سکوتی که از سر ترس نبود، بلکه برای حفظ حقیقت در فضای خفقان بود. اما هر جا زمان را مناسب می‌دید، با خطبه‌ها و روشنگری‌های کوبنده، پیام کربلا را بی‌پرده بیان می‌کرد و وجدان جامعه را بیدار می‌ساخت.

در زندگی دانشجویی هم بارها پیش می‌آید که وارد بحث‌هایی شویم که فقط انرژی ما را می‌گیرد، بدون آن‌که نتیجه‌ای بسازد.

گاهی بهترین تصمیم این است که:
با احترام سکوت کنیم،
وظیفهٔ خود را دقیق انجام دهیم،
و منتظر زمان مناسب برای سخن گفتن بمانیم.
این، نشانهٔ ضعف نیست؛ نشانهٔ بلوغ است.

از هیئت تا کلاس درس

وقتی مفاهیم مذهبی، ابزار زندگی دانشجویی می‌شوند

مسیر این بخش :

ما در این بخش تلاش می‌کنیم از آموزه‌های هیئت و تاریخ اهل‌بیت (ع)، **راهکارهای عملی** برای زندگی امروز استخراج کنیم؛

راهکارهایی برای:
کار گروهی،
مسئولیت‌پذیری،
اخلاق حرفه‌ای،
و رشد فردی.
نه برای مقایسه،
بلکه برای همراهی و خیرخواهی
در مسیر بهتر شدن.

این صفحه را به چشم یک
«منبع فکری» ببینید؛
جایی برای بهتر فکر کردن،
بهتر تصمیم گرفتن،
و بهتر ساختن آینده.

حدیث هیئت: راه دل، نه راه پیروی جاهلانه

«اَلهدیٰ مَنْ تَعَرَّفَ نَفْسَهُ وَ ضَلَّ مَنْ جَهِلَهَا»

ترجمه: «هدایت نصیب کسی است که خود را بشناسد؛ و گمراهی نصیب کسی است که خویشتن را نشناسد.»

(منبع: غررالحکم و دررالکلم، از سخنان منسوب به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام)

تفسیر کاربردی برای دانشجویان: روایتِ گمشدگان در پیچ‌وخمِ انتخاب

دوستان عزیز، بیایید واقع بین باشیم؛ ما در عصر «پیروی جاهلانه» زندگی می‌کنیم. محیط اطراف ما پر است از صداهای دیگران: صدای رسانه، صدای دوستان، صدای بازار کار و گاهی اوقات، صدای قلب خودمان را گم می‌کنیم و در مسیری قرار می‌گیریم که متعلق به ما نیست.

حدیث هیئت: راه دل، نه راه پیروی جاهلانه

چالش شما (تمثیل): «حرکت بدون هدف»

تصور کنید وارد یک ایستگاه قطار شلوغ شده‌اید. همه با عجله بلیط‌هایی در دست دارند که روی آن‌ها نام شهرهای بزرگی حک شده است: «پزشکی»، «مهندسی»، «حقوق». شما هم بدون نگاه کردن به مقصد، یکی از این بلیط‌ها برمی‌دارید چون همه دارند سوار می‌شوند.

1. شوکِ اولِ ورود (نقطه برخورد با واقعیت):
وقتی وارد سالن‌های درس و امتحان می‌شوید، می‌فهمید شوقی در کار نیست. مطالعه برای شما تبدیل به «اجرا» می‌شود، نه «کشف».
نکته عملی: اگر هر روز صبح برای رفتن به دانشگاه باید با خودتان بجنگید، این نشانه‌ای است که باید یک ایستگاه استراحت داشته باشید و مسیر خود را دوباره بازخوانی کنید.

2. خطرِ «انباشت مدرک»: هدف نهایی چیست؟
بزرگ‌ترین دام این است که فکر کنیم مدرک تحصیلی پایان راه است بگونه ای که پایان راه نیست مثل گرفتن گواهی نامه که شروع یادگیری مهارت رانندگی است. اگر درسی را بخوانید که دوست ندارید، فقط یک جعبه خالی پر کرده‌اید.
توصیه: از خود بپرسید: «اگر فردا پول برایم مهم نبود، چه چالشی را دوست داشتم برای حل کردنش بیدار شوم؟» پاسخ این سؤال، قطب‌نمای شماست.

حدیث هیئت: راه دل، نه راه پیروی جاهلانه

3. اهمیتِ «آزمایشگاه‌های کوچک»:
نیازی نیست کل مسیر را یک‌باره عوض کنید. می‌توانید در طول ترم، «آزمایشگاه‌های کوچک» راه‌اندازی کنید.
به فضای مجازی علاقه دارید؟ یک پروژه کوچک بازاریابی شروع کنید.
به ادبیات علاقه دارید؟ یک وبلاگ تخصصی بسازید. این فعالیت‌های فرعی، حقیقت پنهان شما را فاش می‌کنند.

4. از «ناامیدی» تا «انگیزه مجدد»:
احساس می‌کنید عقب افتاده‌اید؟ به یاد بیاورید که بزرگ‌ترین افراد دنیا هم مسیرهای کج داشته‌اند. این زمان، زمان ساختن یک «مسیر جایگزین پرشتاب» است، نه زمان توقف.
اقدام فوری: با یک استاد یا دانشجوی ترم بالاتر که مسیرش را دوست دارد، صحبت کنید. ببینید آن‌ها چطور علاقهٔ خود را وارد رشته‌شان کرده‌اند.

جمع‌بندی نهایی

امام علی (ع) به ما یادآوری می‌کند که بزرگ‌ترین علم، علم به خود است. در دانشگاه، مسیر هدایت با شناختن این شروع می‌شود که: «من چه کسی هستم و چه می‌خواهم خلق کنم؟» با این شناخت، دیگر راهی برای تبعیت جاهلانه باقی نمی‌ماند و هر روز، نور ایمان به مسیر خودتان، شما را هدایت خواهد کرد.

عهدِ قلب؛ از کربلا تا قلبِ بیمار

ای حسینِ من

در این شب‌های طولانی که دل و دستانم به جانِ بیماران گره خورده است و هر بار که دستم به نبضی لرزان می‌رسد، ناخودآگاه دلم به یادِ شما می‌افتد. چه غربتی دارد این مسئولیت؛ مسئولیتی که ما را نگهبانِ عزیزترین دارایی انسان، یعنی «نَفسِ او»، کرده است.
این بارِ سنگین، گاهی چنان طاقت‌فرسا می‌شود که حس می‌کنیم در دشتی بی‌کران، تنها مانده‌ایم.
اما شما، ای مولایِ تنهایِ تاریخ، به ما آموختید که غربت در راهِ حق، آغازِ پیروزی است.
وقتی در مسیرِ طبابت، با تاریکیِ یک تشخیص یا دشواریِ یک درمان روبه‌رو می‌شوم، آن لحظه، برای من یادآورِ کربلاست. عهدِ من با شما این است که نگذارم ترس از شکست، یا وسوسهٔ راحتیِ شخصی، مرا از دفاعِ جانِ آن بیمارِ بی‌پناه بازدارد. این عهد، ادامهٔ راهِ شماست؛ تنها در لباسی متفاوت، لباسی از جنس مسئولیت.
ما باید سپرِ کسانی باشیم که سلاحی برای دفاع ندارند. باید چراغِ دانشِ خود را نه برای کسب شهرت، بلکه برای روشن کردنِ مسیرِ آنان که در تاریکیِ درد و ناآگاهی رها شده‌اند، به کار بگیریم. این علم، اگر با دل و با یادِ شما پیوند نخورد، سرد و بی‌روح خواهد شد.
بگذارید این تعهد، چون خونی پاک، در رگ‌های تخصص ما جاری شود؛ تعهدی که می‌گوید:
«تا آخرین توان، برای حفظِ کرامتِ انسانی و سلامتِ جسم، استقامت خواهیم کرد، حتی اگر تنها باشیم.»
به شما پناه می‌آوریم تا این عهدِ قلبی را در مسیرِ پُرپیچ‌وخم خدمت، استوار نگه دارید و دستان مان را از دامان حقیقت رها نکنید.

گفت‌وگو با مسئول هیئت محبین امام سجاد (ع)

۱. معرفی خود و هیئت

لطفاً خودتان را معرفی کنید و بفرمایید مسئولیت شما در هیئت چیست؟

بسم رب علی مرتضی. بنده محمد یاسین صادقی هستم، دانشجوی رشته فوریت های پزشکی. شکرگزارم که توفیق خادمی اهل بیت (ع) شامل حال بنده شد و مسئولیت هیئت فرهنگی مذهبی دانشجویی محبین امام سجاد (ع) در دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر را بر عهده دارم. افتخار می‌کنم که عضو کوچکی از این تشکیلات باشم.



گفت‌وگو با مسئول هیئت محبین امام سجاد (ع)

۱. معرفی خود و هیئت

کمی هم درباره هیئت محبین امام سجاد (ع) و اهداف آن برای خوانندگان توضیح دهید.

هیئت محبین امام سجاد (ع)، همچون سایر هیئت های دانشجویی، بر پایه زنده نگه داشتن بیرق اهل بیت (ع) و ادامه مسیر این معصومین (ع) بنا شده است. اما به طور خاص، به عنوان یک هیئت دانشجویی، اهداف کلیدی ما شامل موارد زیر است:

- نشر معارف اسلام و اهل بیت (ع).
- تقویت رابطه دلی، معرفتی و معنوی افراد با خدا و اهل بیت (ع).
- تربیت نیروی انسانی دغدغه مند و پای کار در جامعه.

گفت‌وگو با مسئول هیئت محبین امام سجاد (ع)

۲. آغاز و آشنایی با هیئت

شما چطور و چه زمانی با هیئت آشنا شدید؟

انس با اهل بیت (ع) از کودکی در وجودمان بود؛ از همراهی بزرگترها برای نماز جماعت تا شرکت در مراسمات شهادت و ولادت ائمه (ع) در مساجد محل این انس، کم کم به سمت قبول مسئولیت در ایستگاه های صلواتی و تکیه ها سوق پیدا کرد و رابطه دلی و معرفتی شکل گرفت. پس از ورود به دانشگاه و احساس خلا یا کمبود در حوزه فرهنگی مذهبی و نبود تشکیلاتی پایدار و منسجم احساس میشد، با پیگیری از دانشگاه و دفتر نهاد رهبری و ارائه پیشنهادها و برنامه هایی جهت برپایی و تشکیل ساختاری منسجم با بدنه دانشجویی با موافقت همراه شد تا این مسئولیت مسیر آغاز خدمت گزاری ام در هیئت دانشجویی باشد.

گفت‌وگو با مسئول هیئت محبین امام سجاد(ع)

۳. فعالیت‌ها و ساختار هیئت

برنامه های اصلی هیئت چه هستند و این فعالیت ها چه تاثیری بر دانشجویان دارد؟ نقش شما در هماهنگی چیست؟

بسیاری وقتی نام «هیئت» به گوش شان می رسد، فقط سینه زنی و اشک ریختن را تداعی می کنند. اما اگر واقع بینانه و دانشجو-محور به هیئت دانشجویی نگاه کنیم، موضوع متفاوت است. هیئت جایی است که در کنار دغدغه های سنگین دانشجویی (شیفت ها، کارآموزی، وضعیت روانی مشوش)، پناهگاهی معنوی است؛ جایی برای جلا دادن روح و روان، حتی برای ساعتی رهایی از همه چیز.

حضور در مراسمات، فرصت انس با دوستان جدید و تعاملات مثبت فراوانی ایجاد می کند که تاثیر مستقیمی بر روحیه، مسئولیت پذیری اجتماعی و انگیزه فرد دارد.

فعالیت های ما صرفا برگزاری روضه نیست. ما شامل طیف وسیعی از برنامه ها هستیم:

- مراسمات محوری: برگزاری مراسمات دهه فاطمیه و محرم و مراسمات محوری و...
- خدمات: برپایی ایستگاه های صلواتی در مناسبت ها.
- فعالیت های تفریحی و فرهنگی: برگزاری اردوهای تفریحی، اکران فیلم، و اجرای برنامه های شاد و مفرح مانند جنگ شادی.
- فضاهای گفتگو: جلسات اندیشه ورزی و گفتگوهای آزاد.
- پویش های مجازی: فعالیت در فضای مجازی از طریق پویش هایی نظیر «چهارشنبه های امام رضایی»، «سه شنبه های مهدویت» و «جمعه های دلتنگی» و برگزاری مسابقات مجازی (مانند مسابقات نهج البلاغه به مناسبت ولادت امیرالمؤمنین).

نقش من به عنوان مسئول، هماهنگی صفر تا صد این فعالیت ها، از تامین ملزومات اولیه تا برقراری ارتباط با بخش های مختلف دانشگاه است تا مطمئن شویم که هیئت به عنوان محلی برای پرورش نیروی انسانی دغدغه مند عمل می کند

گفت‌وگو با مسئول هیئت محبین امام سجاد (ع)

۴.چالش‌ها و موفقیت‌ها

بزرگترین چالش های شما در مدیریت هیئت چیست و موفق ترین تجربه تان چه بوده است؟

یکی از بزرگترین چالش هایی که تمامی هیئات دانشجویی با آن دست و پنجه نرم می کنند، مسئله مالی است؛ زیرا بودجه ثابتی برای هیئات دانشجویی در نظر گرفته نشده است. برای برگزاری هر مراسم، باید برای تامین هزینه پذیرایی و تدارکات از طریق معاونت های دانشگاه یا نهاد رهبری اقدام کنیم. همچنین، در کنار موانع مدیریتی و سنگ اندازی های اداری پیگیری مسائل پشتیبانی مانند سرویس ایاب و ذهاب، هماهنگی با حراست و واحد خواهران، و همچنین تهیه اقلام اولیه (از شیرینی و آبمیوه گرفته تا تزئینات شادی) زمان بر است. چالش دیگر، جذب نیروهای فعال و پای کاراست.

یک چالش منحصربفرد: با توجه به ویژگی منطقه ما که جمعیت اهل تسنن بیشتر است، باید تعادل مذهبی را کاملا رعایت کنیم تا از هر دو مذهب، مخاطب داشته باشیم.این موضوع دارای دو دیدگاه متفاوته از طرفی باعث محدودیت و از طرفی دیگر یک امتیاز و پوئن مثبت تلقی میشود چرا که اشتراکات برای ما بسیار مهم است و فرصتی ایده آل برای نشان دادن مسئله وحدت ماست.

موفق ترین تجربه: با وجود چالش ها، خوشبختانه مراسمات خوبی برگزار شد. اولین برنامه محوری ما، ایستگاه صلواتی به مناسبت ولادت امیرالمؤمنین (ع) با طرح «دل نوشته ای در وصف پدر» بود که با استقبال بسیار خوب و موثری دانشجویان اهل تسنن و تشیع همراه شد.

گفت‌وگو با مسئول هیئت محبین امام سجاد (ع)

۵. پیام برای دانشجویان و مخاطبان نشریه

اگر بخواهید یک پیام کوتاه و الهام بخش برای دانشجویانی که به هیئت علاقه دارند یا می خواهند آشنا شوند، بدهید، آن چیست؟

به عنوان یک دانشجو به دوستان عزیزم می گویم:
خیلی وقت ها تصویری که از زندگی دانشجویی در ذهن مان ساخته ایم، محدود به درس، دانشگاه و کارآموزی است. اما واقعیت این است که دانشگاه، فرصتی برای زندگی کردن و تجربه کردن است.
در کنار درس و مسئولیت های علمی، تجربه فعالیت های فرهنگی و گروهی مانند هیئت می تواند:
- روح و روان شما را جلا دهد و انرژی تان را تازه کند.
- باعث شود از زندگی دانشجویی خود لذت واقعی ببرید.
- مهارت های اجتماعی و مسئولیت پذیری شما را تقویت کند.
- به شما اجازه دهد رفقای خوب و همراهی پیدا کنید که در مسیر دانشگاه و زندگی کنارتان باشند.
دعوت من به شما این است: زندگی دانشجویی فقط کلاس و امتحان نیست. با تجربه فعالیت های فرهنگی، مسیر یادگیری و رشد خود را گسترده تر و عمیق تر کنید و از هر لحظه ی این دوران پرهیجان بهره ببرید.

گزارشِ مجلس؛ روایتی فراتر از اعداد و ارقام

مروری بر روزهایی که در صحن دانشگاه و پله‌های خوابگاه قد کشیدیم

پاییز و زمستانی که گذشت، برای هیئت محبین امام سجاد (ع) صرفاً فصلی در تقویم نبود؛ فصل دویدن بود، فصل از نفس افتادن و دوباره دم گرفتن. ما در صحن دانشگاه نه به‌دنبال پر کردن رزومه، بلکه به‌دنبال ساختن پناهگاهی بودیم که عطر «اهل‌بیت» در آن بپیچد.

خوش آمدگویی به رسم برادری

یادتان هست؟ روزهای پرهیاهوی ثبت‌نام و غوغای ورود به دنیایی جدید. «ستاد استقبال هیئت» با تمام توان ایستاده بود؛ از راهنمایی در پیچ‌خم‌های اداری تا جابه‌جایی بارِ همراهان. ما آنجا بودیم تا اولین لبخند را به خانواده‌ها هدیه دهیم. این پیوند، هر هفته در ایستگاه «سه‌شنبه‌های مهدوی» تکرار شد تا یادمان نرود صاحب اصلی این خانه کیست.

خوابگاه؛ از زمزمه زیارت تا نبض سیاست

شب‌های جمعه که دلتنگیِ خوابگاه به اوج می‌رسید، سفره حضرت رقیه (س) پهن می‌کردیم. میان هیاهوی درس و امتحان، این روضه‌های کوچکِ خوابگاهی بود که دلمان را قرص می‌کرد. نور شمع‌های روضه، دل‌ها را جلا می‌داد، اما جلسات ما به سینه‌زنی و زیارت عاشورا ختم نمی‌شد؛ ما در آن گعده‌های صمیمی، از درد مردم و مسائل روز جامعه حرف می‌زدیم. در پله‌های خوابگاه آموختیم که دانشجوی هیئتی، نباید نسبت به نبض زمانه‌اش بی‌تفاوت باشد.

گزارشِ مجلس؛ روایتی فراتر از اعداد و ارقام

مروری بر روزهایی که در صحن دانشگاه و پله‌های خوابگاه قد کشیدیم

فاطمیه؛ از صحن دانشگاه تا حسینیه امام خمینی (ره)
آن دو شب سوگواره فاطمیه، فضای دانشگاه را با رنگ حیا و حزن پیوند زد، اما ماجرا به همان‌جا ختم نشد. رفقای هیئتی‌تان دست در دست هم دادند تا چراغ روضه در هیچ گوشه‌ای از شهر خاموش نماند. نقطه اوج این سفر معنوی، حضور جمعی از اعضا در مراسم عزاداری بیت رهبری بود؛ تجربه‌ای ناب از تجدید میثاق با آرمان‌های ولایت در محضر رهبر انقلاب که جان تازه‌ای به فعالیت‌هایمان بخشید. همچنین در سالروز وفات حضرت ام‌البنین (س)، به میان دانشجویان خوابگاهی رفتیم تا از مقام «مادران علمدار» بگوییم.

ایستگاه شادی؛ از نیمه شعبان تا دهه کرامت
وقتِ شادی که می‌شد، هیئت تمام‌قد وسط میدان بود. جشن نیمه شعبان، شکوهِ انتظار را به رخ کشید و با فرارسیدن دهه کرامت، عطر گلاب مشهد را به راهروهای دانشگاه آوردیم تا دلمان را به پنجره‌فولاد گره بزنیم.

حیات؛ هجرتی برای ساختن
ما معتقدیم هیئت باید رشد کند. «اردوی آموزشی حیات» در زابل، فرصتی برای کادرسازی و آموختنِ رسمِ کار تشکیلاتی در سخت‌ترین شرایط بود.

هیئت چه گفت؟

مغزِ متفکر جلسات و پویش‌ها در چند خط

در پسِ تمام این رفت‌وآمدها، پیام‌هایی نهفته بود که در جلسات و پویش‌هایمان تکرار شد:

حیات، یعنی آموختن برای خدمت: در اردوی زابل آموختیم که کار فرهنگی بدون آموزش و تخصص، ابتر می‌ماند. «حیات» تمرینی برای ساخته‌شدن در مسیر اهداف بلند انقلاب بود.

سیاست ما، از روضه جدا نیست: در جلسات بصیرتی خوابگاه، پافشاری کردیم که گریه بر مصائب گذشته، زمانی معنا پیدا می‌کند که به بصیرت در برابر مسائل امروز ختم شود.

انتظار، ایستادن نیست؛ حرکت است: پیام جشن‌های نیمه شعبان ما یک کلمه بود: منتظرِ حقیقی، ایستا نیست؛ بلکه برای اصلاحگری حرکت می‌کند.

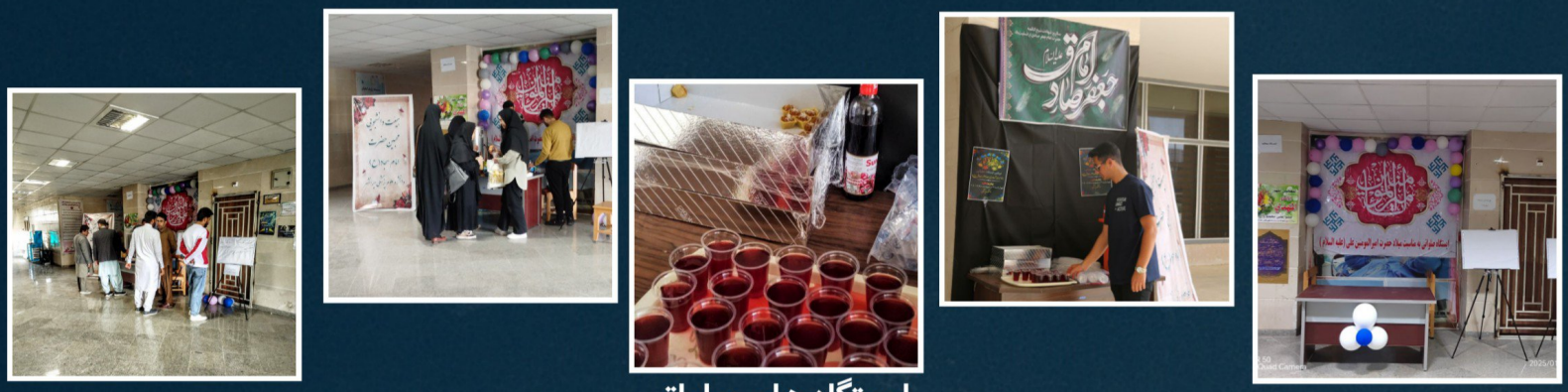
زن، ریحانه است؛ نه قهرمانِ معرکه: در جشن میلاد حضرت زهرا (س)، یادآور شدیم که الگوی زن مسلمان در سیره فاطمی تجلی می‌یابد، نه در شعارهای غربی.

معرفت، چاشنیِ شادی: در تمام ایستگاه‌های صلواتی، هدفمان این بود که بگوییم شادیِ ما، شادیِ عمیق و برخاسته از معرفت است. ما یاد گرفتیم که امام، پدر دلسوز جامعه است.

نمایی از فعالیت های اخیر



ایستگاه سلامت مصلی نماز جمعه



ایستگاه های صلواتی



ستاد استقبال نو ورودان



مراسمات هفتگی

خوابگاهی

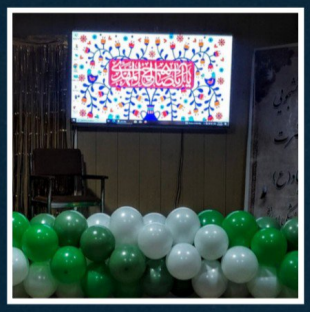


اکران فیلم طنز بمناسبت ولادت حضرت زهرا (س) و گرامیداشت روز مادر

نمایی از فعالیت های اخیر

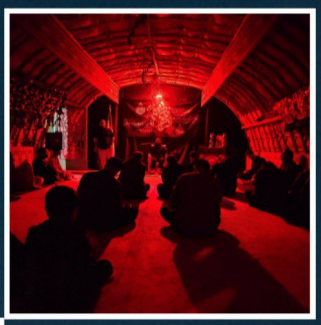
مراسم محوری نیمه شعبان و میلاد ولی عصر(عج)



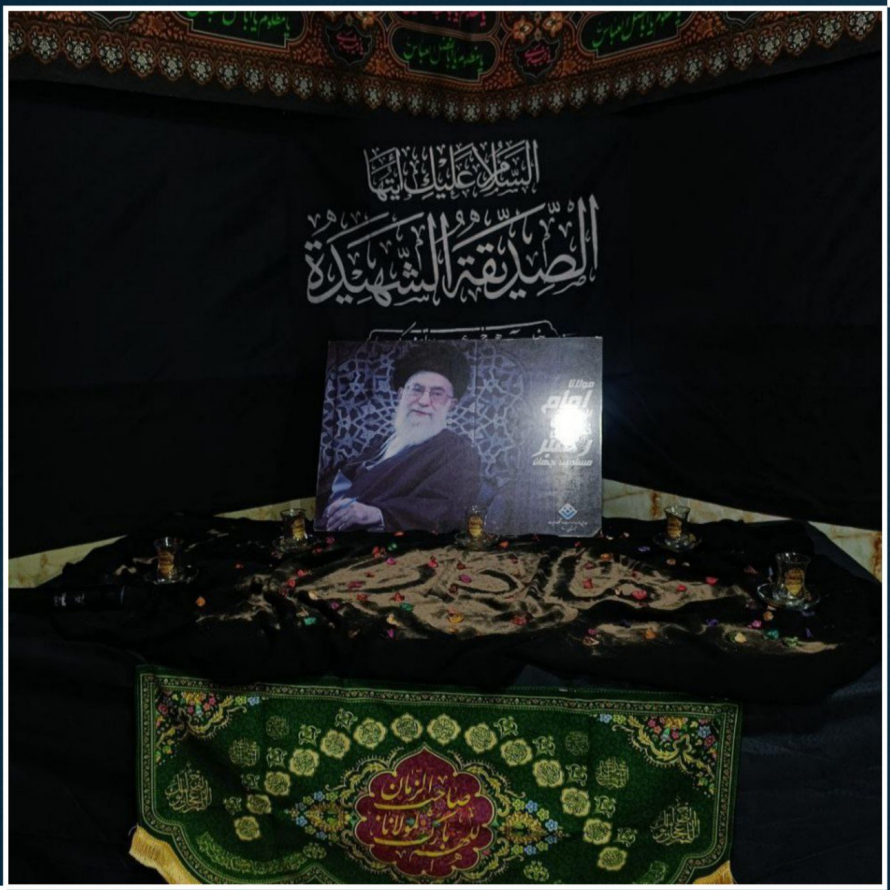


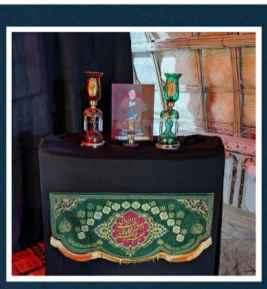






مراسمات محوری دو دهه فاطمیه

















مراسم محوری دهه کرامت و میلاد امام رضا(ع)

سخن آخر: تو خالق روایتی!

به انتهای این شماره رسیدیم، اما روایت ما تازه آغاز شده است. خداوند در همان ابتدای سورهٔ قلم به یک راز بزرگ اشاره می‌کند که مستقیماً به شما، به‌عنوان دانشجویی دغدغه‌مند مربوط است:

«وَ الْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونْ»

- سوگند به قلم و آنچه می‌نویسید -

قلم، قدرتمندترین سلاح شما در دانشگاه

این سوگند یک پیام انقلابی دارد:

سلاح نوین شما: در دنیایی که همه سخن می‌گویند، آنکه می‌نویسد، می‌ماند. مقالهٔ شما، یادداشت شما، حتی متن یک پست تأثیرگذار—همه بخشی از «آنچه می‌نویسید» است.

مقاومت در برابر فراموشی: تاریخ با کلمات شکل گرفته است. اگر می‌خواهید صدای حق، صدای هیئت و صدای حقیقت در میان شلوغی‌های دانشگاه گم نشود، باید آن را بنویسید.

تکلیف ما: سوگند به قلم یعنی ما مسئولیت داریم که نگذاریم حقایق غنی که در جلسات می‌شنویم، به باد فراموشی سپرده شود. ما باید روایتگر باشیم.

جمع‌بندی

این شماره تمام می‌شود، اما قلم شما همچنان در دستتان است. آن را برای ساختن آینده‌ای که به آن باور دارید، به کار بگیرید.

مسابقه دل‌نوشته هیئت محبین امام سجاد(ع)

آیا آماده‌ای دل‌نوشتهٔ خودت را در نشریه ببینی؟

موضوع:

یک تجربه یا لحظه‌ای که هیئت، دل تو را روشن کرده است.

نحوه شرکت:

دل‌نوشتهٔ خود را تا دو هفته پس از انتشار شماره فعلی، به آیدی زیر ارسال کنید :

@Khosravi541

جایزه :

دل‌نوشته برنده در شماره بعدی مجله منتشر می‌شود.

فرصتی برای شنیده شدن صدای شما و نقش داشتن در روایت هیئت!



با دعای خیر و همراهی شما، مسیر عاشقی‌مان ادامه دارد
ما را در مسیر نور همراهی کنید